

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: پرابیر پورکایاستا  
فرستنده: مجله هفته  
۱۲ سپتمبر ۲۰۱۹

## آتش‌سوزی‌های آمازون، ناسیونالیسم سفید و منطق سرمایه



آتش‌سوزی‌های آمازون با برزیل در مرکز آن، اخبار جهانی شده است. داگلاس مورتون، رئیس «آزمایشگاه علوم بیوسفری» مرکز پرواز فضائی گادارد «ناسا» در توضیح آتش‌سوزی‌های اخیر گفت: «اگست ۲۰۱۹ ماهی است که از سال ۲۰۱۰ بیش‌ترین تعداد آتش‌سوزی را داشته است. این شبیه چیزی است که «مؤسسه ملی تحقیق فضائی برزیل» پیش از این گفته بود.»

رئیس «مؤسسه ملی تحقیق فضائی برزیل» پس از آن‌که مؤسسه متبوع وی براساس تصاویر ماهواره‌ئی نشان داد جنگل‌زدائی در آمازون برزیل طی دو ماه ۴۰ درصد نسبت به دوره مشابه در سال گذشته افزایش یافته است، در ۵ اگست برکنار شد.

با نگاه به جایی که آتش‌سوزی‌ها در برزیل آغاز شده اند می‌توان دید که عمدتاً دست انسان‌ها در آن دخیل است: عمدتاً در امتداد بزرگراه‌ها که به درون جنگل گسترش می‌یابند. این یک تلاش آشکار برای صاف کردن جنگل برای بهره‌برداری اقتصادی مانند چوب‌بری، مزرعه گاوداری، کشت تجاری و معدن- است، که در قلب سیاست‌های رئیس‌جمهور بولسونارو قرار دارند. بولسونارو در آخرین هفته اگست در سخنرانی برای خبرنگاران گفت: «این زمین بسیار بزرگتر از آن است که به تعدادی سرخ‌پوست واگذار شود.» گرچه او به طور موقت صاف کردن زمین در پی

آتش‌سوزی‌ها را متوقف کرده است، اما جهت سیاست‌های او هنوز از میان برداشتن موانع در برابر واگذاری آمازون به منافع زمینداران بزرگ در برزیل است.

جنگل‌های آمازون بزرگ‌ترین انبار کربن جهان و همچنین بزرگ‌ترین جذب‌کننده آن است. اگر نابود شود تغییرات اقلیمی در مقیاسی که پیش از این دیده نشده رخ خواهد داد. و این تغییر به زودی ممکن است غیرقابل برگشت بشود، زیرا:

پس از آغاز مرگ یک جنگل، از یک نقطه به بعد جلوگیری از سقوط آن تقریباً غیرممکن می‌شود. جنگل‌های آمازون علاوه بر تثبیت کربن اتمسفر، به سیکل آبی که باران تولید می‌کند نیز کمک می‌کند. از بین رفتن پوشش جنگلی در آمازون نه فقط بر آب و هوای جهان، بلکه بر آب و هوای برزیل و کشورهای همسایه تأثیر خواهد گذاشت و موجب کاهش بارش باران و تأثیرات نامساعد بر کشاورزی خواهد شد.

در حالی که برزیل در حمله مستقیم به آمازون رهبری را دارد، و بولسونارو عنصر نژادی را به حمله خود به مردم بومی اضافه می‌کند، فشار برای گشودن جنگل‌های آمازون به روی کشاورزی، چوب‌بری و معدن فقط محدود به برزیل نیست. چرا کشورهای دیگری که جنگل‌های خود را از بین برده اند می‌گویند کشورهای دارای جنگل آن‌ها را به طور دایم برای منفعت جهانی حفظ کنند؟

حساب سود و زیان، یک بخش اساسی از مذاکرات تغییرات اقلیمی-معاهده پاریس- است که ایالات متحده و ترامپ از آن خارج شدند.

این صف‌آرایی- متضرر و برنده- در واقع می‌تواند برای برزیل ناسیونالیستی باشد. اما این بحث بولسونارو نیست. برای بولسونارو، تنها موضوع این است که آتش‌های به پا شده برای صاف کردن آمازون نباید بدون کنترل بسوزند. او حتماً برای آن همه چوب که می‌توانست با پول مبادله شود اما دود می‌شود، اشک می‌ریزد. او از رئیس‌جمهور ترامپ، هم‌قطار خود در انکار تغییرات اقلیمی و دیگر ناسیونالیست‌های سفید برای اطفای آتش‌سوزی‌های آمازون کمک می‌خواهد. او با مردم بومی برزیل، یا به گفته او سرخ‌پوست‌ها هیچ همدردی ندارد، از شکست سواران نظام برزیل در «پاکسازی» مردم بومی آن افسوس می‌خورد، به عکس سواران نظام ایالات متحده که در نسل‌کشی خود بسیار کارآمدتر بود.

پیش از پرداختن به موضوع پیچیده عدالت اقلیمی، حقوق و رشد اقتصاد بومی، لازم است به یک درک نادرست درباره نقش جنگل‌های آمازون اشاره کنیم. خلاف چیزی که عموماً گفته می‌شود، جنگل‌های آمازون ۲۰ درصد اکسیژن مورد نیاز جهان را تولید نمی‌کنند.



جنگل‌های آمازون با ۶ درصد بزرگترین تولید کننده اکسیژن در خشکی هستند. با احتساب اکسیژن اقیانوس‌ها ۹ درصد کل اکسیژن تولید شده در جهان را تشکیل می‌دهد. اما، ما نمی‌توانیم بدون پرسیدن این‌که آمازون چقدر اکسیژن مصرف می‌کند از تولید اکسیژن بگوئیم. ما باید تولید خالص اکسیژن به وسیله آمازون را ببینیم، یعنی اکسیژنی را که آمازون مصرف می‌کند از اکسیژنی که تولید می‌کند کم کنیم. در این صورت می‌بینیم که تولید خالص اکسیژن از آمازون نزدیک به صفر است. زیرا آمازون بزرگترین مصرف‌کننده اکسیژن نیز هست. ارزش آمازون در تثبیت کربن اتمسفر است و از دست رفتن آن به معنی پخش کردن کربن انبار شده به اتمسفر با پی‌آمدهای ویرانگر است.

آیا استفاده اقتصادی از اراضی جنگلی بدون این‌که ما جنگل‌زدائی با پی‌آمدهای هم محلی و هم جهانی آن را داشته باشیم، ممکن است؟ پاسخ مثبت است، این با استفاده از شیوه‌های علمی و استفاده از فن‌آوری که بتوانیم در کوتاه‌مدت از مزایای توسعه برخوردار شویم و به اهداف درازمدت نیز دست یابیم، شدنی است. این به معنای دستچین کردن درختان بریدنی، اما در محدوده رویش دوباره آن‌ها و استفاده از ترکیبی از درختانی است که برای محیط زیست آمازون طبیعی باشند. این بدین معنی است که اگر معادن یا طرح‌های دیگر در آن مناطق اجراء می‌شوند، چگونه تأثیر آن‌ها را به حداقل رساند. این همچنین بدین معنی است که مناطق بزرگی به عنوان ذخیره طبیعی دست نخورده بمانند و البته یک سیاست برای آن‌هائی که بومی منطقه هستند، به نحوی که به هویت آن‌ها احترام بگذارد و در عین حال به آن‌ها امکان بدهد، نه به مثابه اقلام زنده موزه، بلکه به عنوان جوامع زنده در هماهنگی با طبیعت و جامعه بزرگی شیوه ادغام خود را انتخاب نمایند. این‌ها موضوعات پیچیده‌ای هستند و برای این مسایل پیچیده پاسخ واحدی وجود ندارد. این بدین معنی است که یک دمکراسی که به مذاکره فرصت بدهد و راه همساز نمودن اهداف توسعه با حفظ هویت و تنوع فرهنگی خلق‌ها را فراهم نماید، لازم است.

به جای فرصت دادن به این راه پیچیده دمکراتیک، منطق سرمایه کاملاً ساده است.

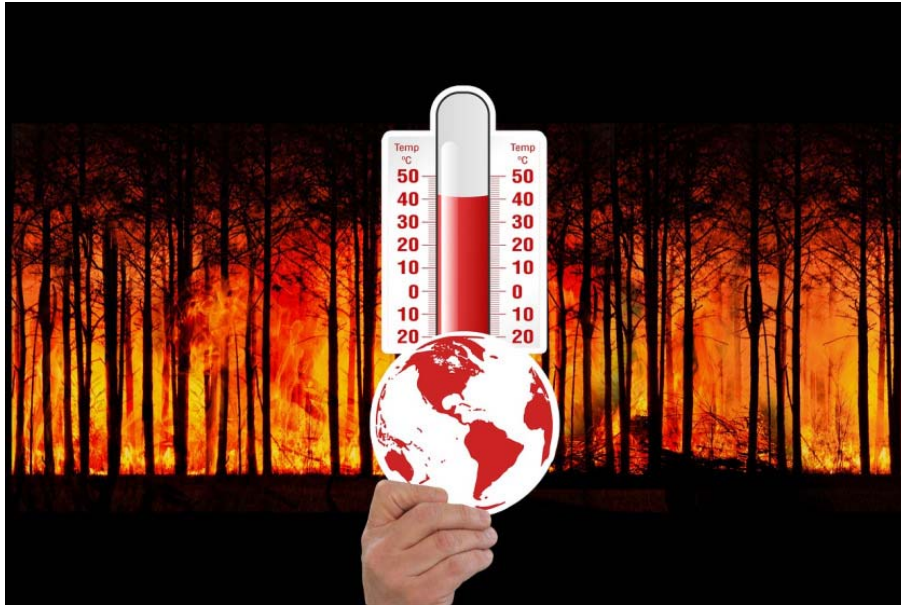
منطق سرمایه به منافع سرمایه‌داران- نه سرمایه، بلکه سرمایه‌داران- بر دیگر بخش‌های مردم اولویت می‌دهد. برای سرمایه‌داران یک راه ساده نگاه کردن به هر موضوع وجود دارد: اگر دولت را به دنبال کردن یک سیاست مشخص قانع کنیم چه چیز به دست خواهیم آورد؟ واگذاری اراضی، جنگل‌ها، و منابع زیرزمینی به سرمایه‌داران به وسیله دولت چیزی است که مارکس انباشت اولیه- یا ابتدائی- نامید. به زبان مردم عادی این «غصب» ملک مشترک نامیده می‌شود، در این مورد جنگل‌های آمازون ملک مشترک است.

اگر بولسونارو بتواند اراضی جنگلی- هم درختان، معادن و هم استفاده از آن پس از صاف کردن جنگل‌ها را برای پرورش دام و کشت لوبیای سویا به دوستان سرمایه‌دار خود واگذار کند، آن‌ها پول هنگفتی به چنگ خواهند آورد. این هسته سیاست‌های بولسونارو است. این شبیه چیزی است که اکنون موودی در هند با اصلاح «قانون حقوق جنگل» انجام می‌دهد.

هر دو مصادره عظیم حقوق خلق‌ها بر منابع طبیعی است. این چیزی است که سرمایه و ایدئولوگ‌های آن آزاد کردن روحیات حیوانی سرمایه می‌نامند.

سرمایه‌داری نه فقط ترمپ‌ها، موودی‌ها و بولسوناروها را دارد که تعیین می‌کنند چیزی که بری سرمایه خوب است برای مردم خوب است، بلکه ایدئولوگ‌های دیگری نیز دارد. یکی از آن‌ها به نام ویلیام نوردهاس یک الگوی اقتصادی ساخته است که اساساً «نشان می‌دهد» به جای این‌که اکنون پول خرج جلوگیری از تغییرات اقلیمی بشود بهتر است که پول در آینده برای تخفیف تغییرات اقلیمی خرج شود. در این رویکرد دو سفسطه وجود دارد: نخست این‌که تأثیر تغییرات اقلیمی بر آن‌هائی که تغییرات اقلیمی را - چه به طور مستقیم از طریق نشر گازها چه با مصرف محصولات

نشر کربن- تولید می‌کنند از آن‌هایی که مقادیر بسیار کمتری کربن نشر می‌دهند، بسیار کمتر است. متأسفانه، تأثیر تغییرات اقلیمی در مناطق حاره و استوایی جهان، که اکثر فقرای جهان در آن زندگی می‌کنند، بسیار نامساعدتر خواهد بود. به علاوه، آن‌ها گاز کربن بسیار کمتری را نشر می‌دهند. سفسطه دوم این است که، الگوهای نوردھاس که سود امروز را بر تأثیرات نامساعد آبی ترجیح می‌دهد همان شیوه‌ای است که سرمایه‌داری به سود خود نگاه می‌کند: سود سه ماه جاری مهمتر از استمرار درازمدت خود سرمایه‌داری است.



آیا رویکردها و الگوهای دیگر ممکن است؟ بله، البته. چندین رویکرد وجود دارد که به این هر دو موضوع توجه می‌کنند. اما امروز علوم تغییرات اقلیمی ارتباط بسیار کمی با علم دارند، سیاست‌ها و منافع سرمایه است که برای آینده اقلیمی ما تصمیم می‌گیرد. آبتون سینکلر، نویسنده آمریکایی در دهه ۱۹۳۰ نوشت: «دشوار بتوان چیزی را به شخصی فهماند که درآمد او به عدم درک آن وابسته است!» انکار گرمایش جهانی اشتباه علمی نیست که راست جهانی مرتکب می‌شود، به طور ساده کسی که حقوق‌ها را می‌پردازد باور آن‌ها را تعیین می‌کند.

[https://peoplesdemocracy.in/2019/0908\\_pd/amazon-fires-white-nationalism-and-logic-capital](https://peoplesdemocracy.in/2019/0908_pd/amazon-fires-white-nationalism-and-logic-capital)

منبع: دمکراسی مردم

تارنگاشت عدالت